

## ترک میهن

ترک مُلک و میهنم ای دوستان  
کرده است روح و روانم را خزان  
روز و شب خون جگر بس می خورم  
بل خدا رحمی کند، آخر سرم  
تا رها ملکم زدست جانیان  
گردد و ملت بگردد، شادمان  
تا به کی این جانیانِ رنگِ رنگ؟  
می خورند خون ضعیفان، بی درنگ  
دوستانان وطن در هر طرف  
تیت و پاشانند بهرسوبی هدف  
خائنان مُلک چون اشرف غنی  
گشته اند ملیونران و بس غنی  
کرزی، عبدالله و باقی خائنان  
پر نمودند بانک ها، پست فطرتان  
از خلیلی و محقق هم سیاف  
ضربه ها بر ملت مان، چون نداف  
هیچ لازم نیست بگفتن از، گلبدین  
در جنایت است ممتاز، در روی زمین  
نور و ستانکزیان در مُلک مان  
قاتل صدها هزاران، میهنان  
کرده اند خلقی و پرچم، قتل عام  
هرکنار کشورم صبح ها و شام

صبغت خائن را، با برهان الدین  
دالر و قدرت بکرده، دور زدین  
از مجاهد نام ها، ننگ آدمی  
هم ز طالب ها غلام اجنبی  
چشم گریانم برای هموطن  
کاو ندارد لقمه نان و نی کفن  
از خدا ترسی ندارند ظالمان  
تا بدارند عاقبت، پاداش شان  
لعنت حق باد بر فردی که کرد  
کشور آرام ما را، پُرنبرد  
"حیدری" هر شب به هنگام سحر  
رو بسوی شاه شاهان، بحر و بر  
کن دعا از بهر صلح، درکشورت  
تا شود آرام، روح در برت

پوهنوال داکتر اسد الله حیدری

۲۷، ۳، ۲۰۲۲، سدنی